



## ابراهیم

**کلیدواژه:** حضرت ابراهیم علیه السلام.  
**پرسش:** فرازهای مهم زندگانی حضرت ابراهیم - علیه السلام - را بر اساس قرآن و روایات بیان کنید.  
**پاسخ:** زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام را می‌توان در سه دوره مشخص مطرح کرد: ۱. دوران قبل از نبوت؛ ۲. دوران نبوت و مبارزه با بت پرستان بابل؛ ۳. دوران هجرت از بابل و تلاش و کوشش در سرزمین مصر، فلسطین و مکه.

### فهرست مندرجات

- ۱ - بیان چند نکته ابتدایی
  - ۱.۱ - ابراهیم، موحدی مسلمان
  - ۱.۲ - ب. همراهی امور غیر طبیعی با تولد برخی پیامبران
- ۲ - دوره‌های زندگی حضرت ابراهیم
- ۳ - زادگاه و طفولیت ابراهیم
- ۴ - نبوت ابراهیم و مبارزه با بت پرستان
  - ۴.۱ - شیوه ابراهیم در دعوت مردم به توحید
  - ۴.۲ - مطالعات ابراهیم درباره آفرینش آسمان و زمین
- ۵ - مبارزه عملی با بت پرستان
- ۶ - هجرت ابراهیم
- ۷ - آخرین مرحله رسالت ابراهیم
  - ۷.۱ - گفت‌وگوی هاجر با ابراهیم
  - ۷.۲ - قربانی کردن اسماعیل
  - ۷.۳ - سربلندی ابراهیم در امتحانات الهی
- ۸ - مقام والای ابراهیم در قرآن
  - ۸.۱ - امت بودن شخصیت ابراهیم
  - ۸.۲ - مقام خلیل‌اللهی
  - ۸.۳ - جزو نیکان و صالحان
  - ۸.۴ - مهمان‌نوازی
  - ۸.۵ - توکل بر خدا کردن
  - ۸.۶ - شجاعت
  - ۸.۷ - منطق قوی
  - ۸.۸ - ارزشمندی آیین ابراهیم
  - ۸.۹ - پایه‌گذاری مراسم حج
  - ۸.۱۰ - زنده شدن چهار پرده به دست حضرت ابراهیم
  - ۸.۱۱ - اهل یقین بودن
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

### بیان چند نکته ابتدایی

پیش از پرداختن به زندگی حضرت ابراهیم - علیه السلام - بیان چند نکته خالی از لطف نیست.

#### ← ابراهیم، موحدی مسلمان

به دلیل عظمت و بزرگی حضرت ابراهیم علیه السلام، هر کدام از ادیان الهی آن حضرت را منسوب به خود و خود را پیرو دین و آیین وی می‌پندارند. یهودیان و مسیحیان هر کدام بر پیوند خویش با ابراهیم تأکید دارند، قرآن در پاسخ آنها این واقعیت را بیان می‌دارد: "ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه موحدی خالص و مسلمان بود و هرگز از مشرکان نبود."<sup>[۱]</sup>

#### ← ب. همراهی امور غیر طبیعی با تولد برخی پیامبران

معمولاً انسان‌های بزرگ علاوه بر این‌که در طول زندگی خود با امتحانات و مشکلات سختی مواجه می‌شوند، تولدشان نیز با یک سری امور غیر طبیعی و مشکلاتی همراه است که در این مورد می‌توان به تولد حضرت موسی علیه السلام<sup>[۲]</sup> و حضرت عیسی علیه السلام<sup>[۳]</sup> و پیامبر خاتم - صلی الله علیه و آله -<sup>[۴]</sup> و همچنین حضرت ابراهیم - علیه السلام - اشاره نمود.

### دوره‌های زندگی حضرت ابراهیم

زندگی **ابراهیم علیه‌السلام** را می‌توان در سه دوره مشخص مطرح کرد: ۱. دوران قبل از نبوت؛ ۲. دوران نبوت و مبارزه با بت‌پرستان بابل؛ ۳. دوران هجرت از بابل و تلاش و کوشش در سرزمین مصر و فلسطین و مکه.

## زادگاه و طفولیت ابراهیم

ابراهیم زمانی چشم به جهان گشود که پادشاه ستمگر، **نمرود** بن کنعان، بر منطقه بابل حکومت می‌کرد، او خود را خدای بزرگ بابل معرفی می‌نمود؛ البته مردم بابل تنها این یک **بت** را نداشتند، بلکه درعین‌حال بت‌هایی با شکل‌های گوناگون و از مواد مختلف ساخته و پرداخته بودند و به نیایش و کرنش در مقابل آنها مشغول بودند.<sup>[۵]</sup>

ابراهیم در سرزمین "بابل" که از سرزمین‌های شگفت‌انگیز جهان بود، تولد یافت.<sup>[۶]</sup> پیش از تولد ابراهیم، به نمرود، گفته شد که امسال در مملکت **کودکی** متولد می‌شود که وسیله نابودی و فناء حکومت او خواهد بود.<sup>[۷]</sup> از آن وقت دستور داد هر کودکی را که متولد می‌شود، بکشند و زن‌ها را از شوهرها جدا کنند و **زنان** را زیر نظر بگیرند و هرکدام را که باردار هستند، تا موقعی که فارغ شوند حبس کنند، طفلش را اگر پسر است، تسلیم تیغ جلادان کنند. در این زمان **مادر حضرت ابراهیم** هم باردار شد. کم‌کم روزهای تولد نزدیک می‌شود. مادر سر به بیابان گذاشت! غاری پیدا کرد که دور از چشم جاسوسان مزدور و بی‌عاطفه بود. در آنجا **طفل** دیده بر روی جهان گشود. مادر، طفل را در پارچه ای پیچید و در گوشه غار گذاشت و در **غار** را با سنگی مسدود کرد و به سوی شهر آمد! کودک با لطف الهی انگشتان خود را می‌مکید و تغذیه می‌کرد. رشد **کودک**، شگفت‌انگیز است. در یک هفته به اندازه یک ماه کودکان دیگر رشد می‌کند. مادر، گاه گاهی از فرصت استفاده می‌کرد و به دیدار کودک خود می‌آمد. سرانجام به حد کافی **رشد** کرد و از گوشه غار بیرون آمد و در فضای پهناور به گردش و **تفکر** پرداخت.<sup>[۸]</sup>

## نبوت ابراهیم و مبارزه با بت‌پرستان

این‌که ابراهیم - علیه‌السلام - در چند سالگی به پیامبری رسید، دقیقاً روشن نیست؛ اما به احتمال زیاد هنگامی که با عمویش آزر به بحث پرداخت، به مقام نبوت رسیده بود؛ زیرا در سوره مریم می‌خوانیم: "در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو، و **پیامبر** (خدا) بود! هنگامی که به پدرش (عمویش) گفت: ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود، و نه می‌بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حل می‌کند؟"<sup>[۹]</sup>

### ← شیوه ابراهیم در دعوت مردم به توحید

در این هنگام مردم بابل علاوه بر بت‌های ساختگی دست خود، موجودات آسمانی؛ مانند خورشید و ماه و ستارگان را پرستش می‌کردند. ابراهیم تصمیم گرفت: از طریق منطق و استدلال‌های روشن، وجدان خفته آنها را بیدار سازد و پرده‌های تاریک جهلشان را از روی **فطرت** پاک آنها کنار نهد، تا نور فطرت بدرخشد، و در راه **توحید** و یگانه‌پرستی گام بگذارند.<sup>[۱۰]</sup>

### ← مطالعات ابراهیم درباره آفرینش آسمان و زمین

او مدت‌ها پیرامون **آفرینش آسمان و زمین** و قدرتی که بر آنها حکومت می‌کند و نظام شگفت‌انگیز آنها **مطالعه** کرده بود، و نور **یقین** در قلبش می‌درخشید.<sup>[۱۱]</sup> نخست با ستاره‌پرستان رویه‌رو شد، هنگامی که تاریکی شب فرا رسید، ستاره "زهره" را مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟»؛ اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!» و هنگامی که ماه را دید که سینه افق را می‌شکافت، گفت: «این خدای من است؟»؛ اما هنگامی که آن هم غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راه‌نمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.» و هنگامی که خورشید را دید که سینه افق را می‌شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این‌که از همه بزرگ‌تر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای **قوم** من از شریک‌هایی که شما برای خدا می‌سازید، بیزارم! من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده من در **ایمان** خود خالصم و از مشرکان نیستم!»<sup>[۱۲]</sup>

## مبارزه عملی با بت‌پرستان

داستان درگیری ابراهیم با بت‌پرستان، هر روز سخت‌تر، و شدیدتر، می‌شد، تا این‌که به شکستن همه بت‌های بت‌خانه بابل (به جز بت بزرگ) با استفاده از یک فرصت کاملاً مناسب، انجامید!<sup>[۱۳]</sup>

## هجرت ابراهیم

سرانجام حکومت ستمگر نمرود تصمیم گرفت کار ابراهیم را تمام کند و با مراسم ویژه، او را در برابر دیدگان همه در میان دریای آتشی که بر افروخته شده بود، بسوزاند و برای همیشه از او راحت شود؛ اما زمانی که **آتش** به فرمان الهی خاموش شد و ابراهیم توانست سالم از آن صحنه بیرون آید، نمرود و اطرافیانش تصمیم گرفتند برای استمرار حکومت خود با تمام نیرو در برابر ابراهیم بایستند و تا او را نابود نکنند، از پای ننشینند. از سوی دیگر ابراهیم بهتر دید که با جمعیت مؤمنان و هوادارانش سرزمین بابل را ترک کند، و برای گسترده دعوت **حق** به سوی شام و فلسطین و مصر روانه شود، و توانست در آن مناطق حقیقت توحید را تبلیغ نماید و مؤمنان فراوانی را به سوی پرستش **خواند** یگانه بخواند.<sup>[۱۴]</sup>

## آخرین مرحله رسالت ابراهیم

ماجرای **حسادت** "ساره" - زن نخستین حضرت ابراهیم - به "هاجر" کنیزی که او را به همسری **اختیار** کرده بود و فرزندی به نام "اسماعیل" از او یافت، سبب شد که این مادر و کودک شیرخوار را به فرمان خدا از سرزمین "فلسطین" به بیابان خشک و تفتیده "مکه" در لابلای آن کوه‌های زمخت و خشن ببرد؛ و آنها را در آن سرزمین که حتی یک قطره **آب** در آن پیدا نمی‌شد، به فرمان خدا، و به‌عنوان یک **آزمایش** بزرگ بگذارد و باز گردد. پیدایش چشمه "زمزم" و آمدن قبیله "جرهم" به آن سرزمین و اجازه خواستن برای زندگی در آن منطقه از هاجر سبب آبادی این زمین شد. ابراهیم از خدا خواسته بود که آن نقطه را شهری آباد و پر **برکت** سازد، و دل‌های مردم را به فرزندانش که در آن منطقه رو به فرونی بودند، متوجه گرداند.<sup>[۱۵]</sup>

### ← گفت‌وگوی هاجر با ابراهیم

برخی **روایان حدیث** و تاریخ‌نگاران نقل کرده‌اند، هنگامی که ابراهیم **هاجر** و **اسماعیل** شیرخوار را در مکه گذاشت، و می‌خواست از آن جا باز گردد، هاجر او را صدا زد که ای ابراهیم چه کسی به تو دستور داد ما را در سرزمینی بگذاری که نه گیاهی در آن وجود دارد، نه حیوان شیردهنده‌ای، و نه حتی یک قطره آب، آن هم بدون زاد و توشه و مونس؟! ابراهیم در یک جمله کوتاه پاسخ گفت: "پروردگارم مرا چنین دستور داده است". هنگامی که هاجر این جمله را شنید گفت: اکنون که چنین است، خدا هرگز ما را به حال خود رها نخواهد کرد!<sup>[۱۶]</sup>

### ← قربانی کردن اسماعیل

ابراهیم بارها از فلسطین به قصد دیدن اسماعیل به مکه آمد، و در یکی از همین سفرها بود که مراسم **حج** را به‌جای آورد و به فرمان خدا اسماعیل فرزندش را که به‌صورت نوجوان برومند و فوق‌العاده پاک و باایمان بود، به قربانگاه برد و حاضر شد این بهترین میوه شاخسار حیانتش را با دست خود در راه خدا **قربانی** کند. هنگامی که این مهم‌ترین آزمایش را به عالی‌ترین صورتی از عهده بر آمد و تا آخرین مرحله آمادگی خود را در این راه نشان داد، خدا قربانیش را پذیرفت و اسماعیل را برای او حفظ کرد و گوسفندی جهت قربانی برای او فرستاد.<sup>[۱۷]</sup>

### ← سربلندی ابراهیم در امتحانات الهی

سرانجام ابراهیم با ادا کردن حق همه این امتحانات، و بیرون آمدن از کوره همه این آزمایش‌ها، به بلندترین مقامی که یک **انسان** ممکن است به آن برسد، ارتقا یافت و چنان‌که **قرآن** می‌گوید: "خداوند ابراهیم را به کلماتی آزمود و او همه آنها را به انجام رساند، و به دنبال آن به او فرمود: من تو را **امام** و پیشوا قرار می‌دهم، ابراهیم که از این مژده به وجد آمده بود، تقاضا کرد که این مقام را به بعضی از فرزندان من نیز ببخش، دعای او مستجاب شد؛ ولی به این شرط که این مقام به کسی که ظلم و ستم و انحرافی از او سر زده باشد، هرگز نخواهد رسید."<sup>[۱۸]</sup>

## مقام والای ابراهیم در قرآن

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که **خداوند** برای ابراهیم، مقام فوق‌العاده والایی قرار داده است، مقامی که برای هیچ‌یک از پیامبران پیشین قائل نشده است. بزرگی مقام این پیامبر الهی را از تعبیرات زیر به‌خوبی می‌توان دریافت:

#### ← امت بودن شخصیت ابراهیم

خداوند از ابراهیم به‌عنوان یک "امت" یاد کرده و شخصیت او را به‌منزله یک امت می‌ستاید. [۱۹]

#### ← مقام خلیل‌اللهی

مقام خلیل‌اللهی را به او عطا فرموده است. [۲۰]

در برخی از روایات در زیر این آیه می‌خوانیم، این مقام به‌خاطر آن بود که ابراهیم هرگز چیزی از کسی نخواست و هرگز تقاضا کننده‌ای را محروم نکرد. [۲۱]

#### ← جزو نیکان و صالحان

او از نیکان، [۲۲] صالحان، [۲۳] قانتان، [۲۴] صدیقان، [۲۵] بردباران، [۲۶] و وفاکنندگان به عهد بود. [۲۷]

#### ← مهمان‌نوازی

ابراهیم فوق‌العاده مهمان‌نواز بود؛ [۲۸] به‌طوری‌که در بعضی از روایات آمده است؛ او را ابواضیاف (پدر مهمانان یا صاحب مهمانان) لقب داده بودند. [۲۹]

#### ← توکل بر خدا کردن

او توکل بی‌نظیری داشت، تا آن‌جا که در هیچ کار و هیچ حادثه‌ای نظری جز به خدا نداشت، هرچه می‌خواست، از او می‌طلبید و جز در خانه او را نمی‌کوبید. [۳۰]

#### ← شجاعت

او شجاعت بی‌نظیری داشت و در برابر سیل خروشان تعصب‌های بت‌پرستان یک تنه ایستاد و کم‌ترین ترس و وحشتی به خود راه نداد، بت‌های آنها را به باد مسخره گرفت و از بتکده آنها تلی ساخت، و در برابر نمود و دژخیمان با شهامت بی‌نظیری سخن گفت که هریک از آنها در آباتی از **قرآن مجید** [۳۱] آمده است.

#### ← منطق قوی

ابراهیم منطق فوق‌العاده نیرومندی داشت، در عبارات کوتاه و محکم و مستدل پاسخ‌های دندان‌شکنی به گمراهان می‌داد، و با همان منطق رسایش بینی لجاجان را به خاک می‌مالید. در این رابطه می‌توانید به آیات ۶۳ تا ۶۷ از سوره انبیاء مراجعه کنید. [۳۲]

#### ← ارزشمندی آیین ابراهیم

قابل توجه این‌که قرآن یکی از افتخارات مسلمانان را این می‌شمارد که آنها بر **آیین** ابراهیم هستند و او بود که نام "**مسلمان**" را بر شما گذارد. [۳۳]

#### ← پایه‌گذاری مراسم حج

مراسم حج با آن همه عظمت و شکوهش به‌وسیله ابراهیم، و به فرمان خدا پایه‌گذاری شد و به همین جهت نام ابراهیم و خاطره ابراهیم با تمام مراسم حج آمیخته است [۳۴] و **انسان** در هر جایگاه و هر برنامه‌ای از این مراسم بزرگ به یاد این پیغمبر الهی می‌افتد و پرتو عظمت او را در دل خویش احساس می‌کند، اصولاً انجام مراسم حج بی‌یاد ابراهیم نامفهوم است!

#### ← زنده شدن چهار پرنده به دست حضرت ابراهیم [۳۵]

صالح بن سهل از امام صادق علیه‌السلام درباره سخن خداوند که خطاب به ابراهیم - علیه‌السلام - فرمود: «چهار پرنده بگیر و آنها را نزد خود قطعه قطعه کن سپس بر سر هر کوهی جزئی از آن را قرار بده»، فرمود: ابراهیم هدیه و جغد و طاوس و کلاغ را گرفت و آنها را سر برید و سرهایشان را جدا کرد سپس بدن‌های آنها را در هاون قرار داد و پرها و گوشت‌ها و استخوان‌های آنها به هم درآمیخت؛ سپس آنها را ده بخش کرد و آنها را بر سر ده **کوه** قرار داد و آن‌گاه نزد خود آب و دانه گذاشت؛ سپس منقارهای آنها را میان انگشتانش گرفت، سپس گفت: به اذن **خداوند** بیاید، پس برخی از آنها به برخی از آن گوشت‌ها و پرها و استخوان‌ها پرواز کردند و بدن‌ها به همان صورت که قبلاً بودند، استوار شد و هر بدنی آمد و به سر و منقار خود ملحق گردید و ابراهیم منقارهای آنها را رها کرد، پس آمدند و از آن آب خوردند و از آن دانه چیدند، سپس گفتند: ای پیامبر خدا ما را زنده کردی، خدا تو را زنده کند؛ ابراهیم گفت: بلکه خدا زنده می‌کند و می‌میراند. [۳۶]

#### ← اهل یقین بودن

هم‌چنین، خداوند **ملکوت** آسمان‌ها و **زمین** (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان داد (تا به آن استدلال کند) و اهل **یقین** گردد. [۳۷] [۳۸]

#### پانویس

۱. ↑ آل‌عمران (۳)، آیه ۶۷. [۳۹]

۲. ↑ طه (۲۰)، آیه ۳۸ و ۳۹. [۴۰]

۳. ↑ مریم (۱۹)، آیه ۲۰ و ۲۱. [۴۱]

۴. ↑ ضحی (۹۳)، آیه ۸. [۴۲]

۵. ↑ نجفی خمینی، مجد جواد، تفسیر آسان، ج ۹، ص ۷، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.

۶. ↑ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ ه‍.ق؛ سعید بن جبیر می‌گوید: از امام زین‌العابدین علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: در قائم ما چند سنت از سنت‌های پیغمبران است، یک سنت از آدم و یک سنت از نوح و یک سنت از ابراهیم و یک سنت از موسی، و یک سنت از عیسی و یک سنت از ایوب و یک سنت از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، اما سنتی که از آدم و نوح دارد: طول عمر است، از ابراهیم پنهان بودن ولادتش و دوری گزیدن وی از مردم است...؛ علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۲۱۷، مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ ه‍.ق. [۴۳]

۷. ↑ برخی می‌گویند: این پیش‌گویی را از راه نجوم و کهنات کردند. بعضی می‌گویند: از روی اخبار پیامبران به دست آورده بودند. برخی هم می‌گویند: نمود خواب دید که ستاره‌ای طلوع کرد و نور خورشید و ماه را محو کرد. تعبیر کنندگان خواب، تعبیر کردند که کودکی به دنیا می‌آید و حکومتش را منقرض می‌کند.

۸. ↑ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۰۳، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۹. ↑ مریم (۱۹)، آیه ۴۱ و ۴۲. [۴۴]

۱۰. ↑ نجفی خمینی، مجد جواد، تفسیر آسان، ج ۹، ص ۸، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.

۱۱. ↑ انعام (۶)، آیه ۷۵. [۴۵]

۱۲. ↑ انعام (۶)، آیه ۷۹ و ۷۵. [۴۶]

۱۳. ↑ انبیاء (۲۱)، آیه ۶۷ و ۵۷. [۴۷]

۱۴. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۴۰۳، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش. [۴۸]

۱۵. ↑ ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۷ و ۴۱. [۴۹]

۱۶. ↑ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۰۱، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ه‍.ش با کمی اختلاف. [۵۰]

۱۷. ↑ صافات (۳۷)، آیه ۱۰۷ و ۱۰۰. [۵۱]














۱۸. ↑ بقره (۲)، آیه ۱۲۴. [۵۲]


۱۹. ↑ نحل (۱۶)، آیه ۱۲۰. [۵۳]

۲۰. ↑ نساء (۴)، آیه ۱۲۵. [۵۴]


۲۱. ↑ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۶، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ه‍.ق. [۵۵]

۲۲. ↑ (۲۸)، آیه ۴۷. [۵۶]

- ۲۳. ↑ نحل (۱۶)، آیه ۱۲۲. 
- ۲۴. ↑ نحل (۱۶)، آیه ۱۲۰. 
- ۲۵. ↑ مریم (۱۹)، آیه ۴۱. 
- ۲۶. ↑ توبه (۹)، آیه ۱۱۴. 
- ۲۷. ↑ نجم (۵۳)، آیه ۳۷. 
- ۲۸. ↑ ذاریات (۵۱)، آیه ۲۴. 
- ۲۹. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۹۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ق.
- ۳۰. ↑ شعراء (۲۶)، آیه ۷۸. 
- ۳۱. ↑ انبیاء (۲۱)، آیه ۵۷. 
- ۳۲. ↑ انبیاء (۲۱)، آیه ۶۳. 
- ۳۳. ↑ حج (۲۳)، آیه ۷۸. 
- ۳۴. ↑ حج (۲۳)، آیه ۲۷. 
- ۳۵. ↑ بقره (۲)، آیه ۲۶۰. 
- ۳۶. ↑ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۶۵، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ ه ق. 
- ۳۷. ↑ انعام (۶)، آیه ۷۵. 

↑ راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۶۷، مؤسسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۹ ه ق؛ در روایات نیز آمده: ابوصیر از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا مجد صلی‌الله‌علیه‌وآله مانند ابراهیم، ملکوت آسمان‌ها و زمین را دید؟ فرمود: آری، و همین‌طور ولی شما و ائمه بعد از او نیز می‌بینند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: هفت آسمان برای ابراهیم شکافته شد تا آن حضرت آسمان هفتم و موجودات آن را و زمین‌های هفت‌گانه را با موجودات درون آن ببیند. برای مجد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز چنین شد. و من می‌دانم ولی شما و ائمه بعد از او نیز چنین چیزهایی را می‌بینند. 

#### منبع

پایگاه اسلام کوئست. 

رده‌های این صفحه : [قصص قرآنی](#) | [تاریخ انبیاء](#) | [حضرت ابراهیم](#)